



گروه بین الملل
خبرگزاری تسنیم

به بهانه سالروز استقلال پاکستان از انگلیس؛

چگونه استعمار از پاکستان ، پاک نشود؟



ابتدا، هندوها تحت رهبری یک فرد انگلیسی به نام «هیوم» حزب «کنگره ملی هندوستان» را تشکیل دادند. اگرچه اوایل گروهی از مسلمانان به عضویت این حزب درآمدند اما بعدها مشخص شد که این حزب به هیچ وجه منافع مسلمانان هند را مدنظر ندارد. بعد از این، مسلمانان در سال ۱۹۰۶ میلادی، «حزب مسلم لیگ» تشکیل دادند. این حزب بعدها به رهبری «محمد علی جناح»، بنیانگذار پاکستان، هسته مرکزی مبارزات آزادی طلبانه مسلمانان هندوستان شد.



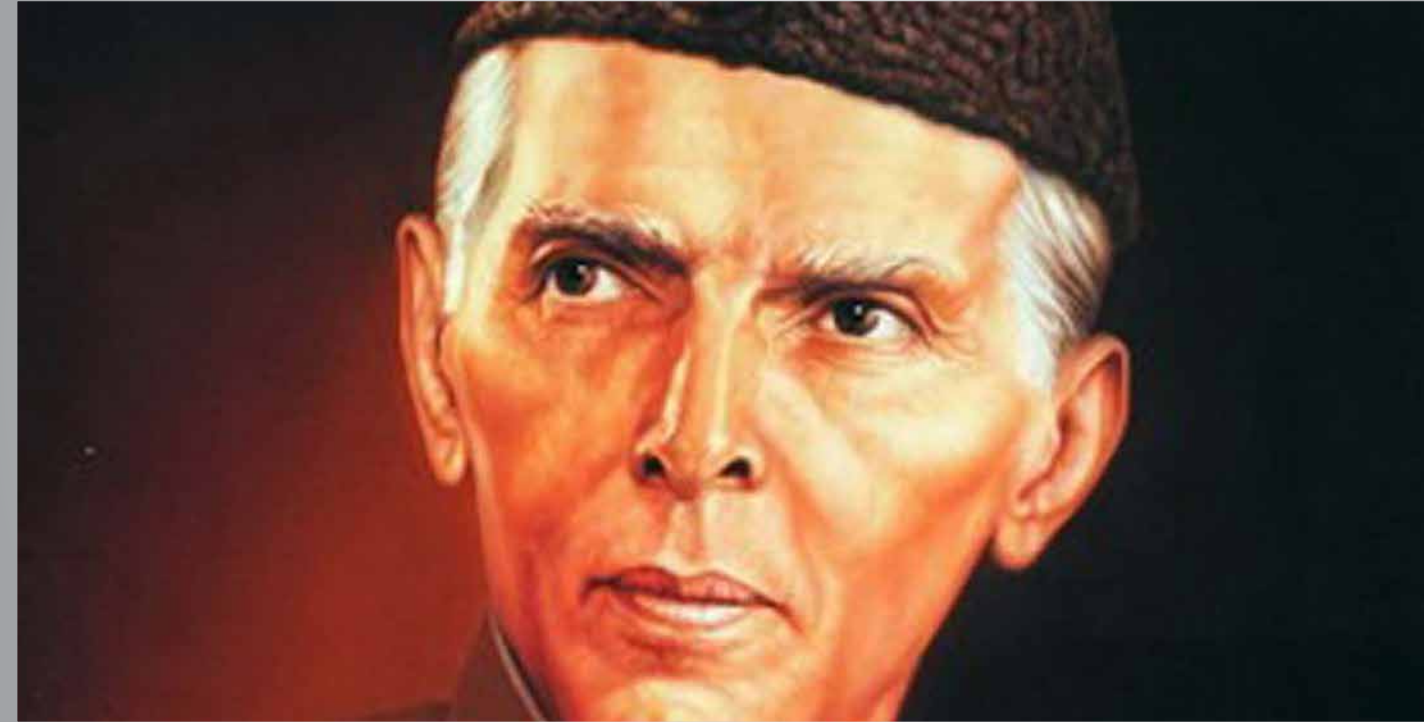
خبرگزاری تسنیم: روزگاری بریتانیا، بر کشورهای زیادی از دنیا چنبره انداخته بود و با سیاست‌های استعماری‌اش، ثروت‌های این سرزمین‌ها را به تاراج می‌برد. یکی از این کشورها، پاکستان بود. کشوری که مردمانش برای کسب استقلال، خون‌های زیادی را تقدیم کردند و جانانه در راه سربلندی کشورشان، جنگیدند. در واقع می‌توان تشکیل کشور مستقل پاکستان در ۱۴ آگوست سال ۱۹۴۷ را می‌توان نتیجه فعالیت‌های تاریخی و متمدن مسلمانان شبه‌قاره هندوستان دانست.



پاکستان در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ با دو جناح دارای اکثریت مسلمان در قسمت شرقی و شمال غربی مناطق آسیای جنوبی تشکیل شد که توسط هند که اکثریت آن هندو بودند از هم جدا شد و از استان‌های بلوچستان (پاکستان)، بنگلادش شرقی، استان مرزی شمال غرب، پنجاب غربی، و سند تشکیل می‌شد. تقسیم تقسیم هند تحت کنترل بریتانیا به شورش‌های فرقه‌ای منجر گردید.



با این وجود لیگ مسلمانان هند در نیمه دوم دهه ۱۹۳۰ در میان ارسی از نادیده گرفتن مسلمانان در سیاست به محبوبیت رسید در ۲۹ دسامبر ۱۹۳۰ خطاب به مربوط به ریاست جمهوری علامه اقبال لاهوری خواهان ایجاد یک کشور مسلمان مجزا در شمال غربی و آسیای جنوب شرقی شد. محمد علی جناح تئوری دولت را حمایت کرد و لیگ مسلمانان را به سوی پذیرش «قطعنامه لاهور» مربوط به ۱۹۴۰ هدایت کرد که نهایتاً به ایجاد کشور پاکستان انجامید.



تفرقه‌های اقتصادی و سیاسی در پاکستان شرقی (بنگلادش امروزی) منجر به سرکوبی‌ها و تنش‌های شدید سیاسی گردید، که نهایتاً به جنگ آزادسازی بنگلادش و جنگ ۱۹۷۱ هند و پاکستان و نهایتاً جدا شدن پاکستان شرقی به عنوان کشور مستقل بنگلادش انجامید. حکومت غیر نظامی از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۷ توسط ذوالفقار علی بوتو تا زمانی که خلع شد و توسط یک جنایت قضایی در سال ۱۹۷۹ به دست ژنرال محمد ضیا الحق اعدام شد، از سر گرفته شد.



در سراسر هند و پاکستان و میلیون‌ها مسلمان به جامو و کشمیر بالا گرفت و به اولین جنگ کشمیر (۱۹۴۸) منتهی شد که در آن پاکستان و هند هریک قسمتهای عظیمی از جمهوری که در سال ۱۹۵۸ به رسمیت اعلام شده بود با کودتایی توسط ایوب خان (۶۹-۱۹۵۸) که در طول یک دوره ناآرامی داخلی و همچنین در دوره جنگ ۱۹۶۵ هند-پاکستان رئیس‌جمهور بود. جانشین او یحیی خان (۷۱-۱۹۶۹) با طوفان-بهبولا ۱۹۷۰- مواجه شد که باعث مرگ ۵۰۰ هزار تن شد.



تنش‌های نظامی در جنگ کارگیل که پاکستان و هند در سال ۱۹۹۹ با آن مواجه بودند، بایک کودتای نظامی دنبال شد که در این کودتا ژنرال مشرف توانست قدرت اجرایی را به دست گیرد. در سال ۲۰۰۱ مشرف توانست با استعفای رفیق ترار، رئیس جمهور پاکستان شود. پس از انتخابات مجلس ۲۰۰۲، مشرف قدرت‌های اجرایی را به نخست‌وزیر تازه‌منتخب ظفرالله خان جمالی واگذار کرد که او نیز در انتخابات نخست‌وزیری ۲۰۰۴ پاکستان، جای خود را به شوکت عزیز داد.



ضیاء الحق سومین رئیس جمهور نظامی شد. سیاست‌های سکولار پاکستان با معرفی قوانین اسلامی شریعت توسط ضیاء از بین رفتند و این روند تأثیرات مذهبی و دینی بر جامعه شهریب، و همچنین نظامی را افزایش داد. با مرگ ژنرال ضیاء در حادثه سقوط هواپیما در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸)، بی نظیر بوتو دختر ذوالفقار علی بوتو به عنوان اولین نخست‌وزیر زن پاکستانی انتخاب شد. در طول دهه بعد با خراب‌تر شدن اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور، او قدرت را به نواز شریف واگذار کرد.



روز استقلال پاکستان که در این کشور به نام «روز پاکستان» شناخته می‌شود ثمره سال‌ها مجاهدت و تلاش مسلمانان شبه‌قاره برای احیای ارزش‌های دینی و اسلامی و رهاشدن از زیر یوغ استعمار است که سرانجام با پایداری مردم به ثمر نشست. اگرچه ممکن است پاکستان امروز هنوز فاصله زیادی تا پاکستان آرمانی مدنظر مجاهدان آن روز داشته باشد اما بازگویی این تاریخ پرفراز و نشیب، به مملت پاکستان و سایر مسلمانان جهان نشان می‌دهد که می‌توانند با اتحاد و مقاومت خود همه استعمارگران و زورگویان عالم را به زانو درآورده و آنان را تسلیم خواست خود کنند.

